انتظامی

کشف محموله بزرگ موادمخدر در خودروی پژو

مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر شهرستان داراب با توقیف یک خودروی پژو، ۳۶۸ کیلو تریاک کشف کردند. این محموله به طرز ماهرانه‌ای داخل خودرو جاسازی شده و قرار بود به شیراز منتقل شود. در این عملیات راننده قاچاقچی دستگیر شد.

رویداد

مرگ ششمین غریق ساحل توسکاسرا

با مرگ ششمین نفر از یک گروه ۷نفره جوانان که در دریای خزر غرق شده بودند، آمار قربانیان این حادثه به ۶نفر رسید. این افراد مسافرانی بودند که در ساحل توسکاسرا در شهرستان رامسر وارد دریا شده بودند اما متأسفانه گرفتار امواج شدندو جانشان را از دست دادند.

صفحه‌آرا: علی حسنی

حادثه

حمام خون دانش‌آموز تایلندی

دانش‌آموز ۱۴ساله تایلندی پس از قتل عام ۷نفر در بانکوک، به زندگی خود پایان داد. به گزارش پلیس تایلند، این پسر نوجوان در منطقه‌ای در شمال شهر بانکوک ابتدا پدربزرگ و مادربزرگش را در خانه به ضرب گلوله به قتل رساند و با سلاحی که در دست داشت راهی مدرسه شـد. او در مدرسه به‌سوی معلمان شلیک کرد و ۵معلم را به قتل رساند و پس از آن لوله سلاح را روی سرش گذاشت و شلیک کرد. تیراندازی‌های این پسر نوجوان که با سلاح کمری متعلق به پدربزرگش رخ داد، باعث مجروح‌شدن ۳۰نفر شـد که حال ۹نفر از آنها وخیم گزارش شده است. پلیس اعلام کرده که نوجوان تیرانداز به همراه پدربزرگ و مادربزرگش زندگی می‌کرد و علاقه زیادی به بازی‌های ویدئویی داشت. این تیراندازی در حالی تایلند را در شوک فرو برده که معلمان مدرسه از نوجوان تیرانداز به‌عنوان پسری باهوش و آرام یاد کرده‌اند.

جنایت در بوستان آبشار

درگیری ۲دوست در بوستان آبشـار، با جنایت پایان یافت. به گزارش همشهری، عصر چهارشنبه ۱۴ مردادماه، درگیری خونین در بوستان آبشار سـعادت‌آباد به قتل مردی ۳۵ساله انجامید. مقتول که فعال حوزه تجهیزات پزشـکی بود، پس از مشاجره لفظی با مردی میانسـال، هدف ضربات چاقو قرار گرفت و جان باخت. تحقیقات اولیه نشان داد مقتول و قاتل از مدتی قبل در این پارک آشنا شده، اما اخیرا بر سر مسائل کاری، دچار اختلاف شده بودند. با گزارش این جنایت به قاضی رضا اعلایی، بازپرس دادسرای جنایی تهران، تیمی از اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات را آغاز کردند. در حال حاضر، دستور بازداشت متهم فراری برای روشن‌شدن زوایای پنهان این پرونده صادر شده است.

در یک کلینیک زیبایی افراد زیادی دچار آسیب شدند

پایان عمل‌های زیبایی ۲ جراح قلابی

گزارش

الهه فراهانی | روزنامه‌نگار | اسرار ۲ مرد جوان که با مدرک کاردانی و استفاده از تبلیغات اینستاگرامی، کلینیک زیبایی تقلبی در شمال تهران افتتاح کرده و خودشان را جراح زیبایی جا زده بودند، با شکایت چند زن فاش شد.

به گزارش همشهری، این پرونده چندی قبل با مراجعه یک زن جوان به دادسرای جرائم پزشکی کلید خورد. شاکی در اظهاراتش به بازپرس پرونده گفت: مدتی قبل در اینستاگرام تبلیغ کلینیکی در شمال تهران را دیدم که توسط یک بلاگر هم معرفی و تبلیغ شـده بود. من قصد داشتم تزریق فیلر و چربی صورت انجام بدهم و با دیـدن این تبلیغات تصمیم گرفتم راهی آنجا شـوم. وقتی برای انجام این عمل قدم در کلینیک گذاشـتم، به من اطمینان داده شد که همه کارها زیرنظر متخصصان زیبایی انجام می‌شود اما بلافاصله پس از عمل، صورتم به‌شدت ورم کرد، عفونت بدی گرفت و حالت کجی پیدا کرد.

شکایت‌های سریالی

با این شکایت، پرونده‌ای در دادسرای جرائم پزشکی تشکیل شد و تیمی از مأموران تحقیقات خود را آغاز کردند. اما این تنها شکایت نبود؛ در مدت کوتاهی، چندین شـکایت مشابه دیگر روی میز بازپرس دادسرای جرائم پزشکی قرار گرفت. قربانیان یکی پس از دیگری با صورت‌هایی آسیب‌دیده مراجعه می‌کردند؛ برخی دچار عفونت‌های چشمی شده بودند و برخی دیگر که برای عمل «بلفاروپلاستی» (برداشتن پف پلک) یا تخلیه چربی غبغب زیر تیغ این افراد رفته بودند، با عوارض جبران‌ناپذیری مواجه شدند.

پرده‌برداری از یک فریب بزرگ

با انجام تحقیقات گسترده مشخص شد ۲نفری که خود را جراح زیبایی معرفی می‌کردند و با روپوش سفید و تابلوی پزشک در مطب حاضر می‌شـدند، حتی یک روز هم در دانشکده پزشکی تحصیل نکرده‌اند و مدارک تحصیلی آنهـا تنها در حد کاردانی اسـت. همین کافی بود تا دسـتور پلمب کلینیک غیرقانونی و بازداشت ۲پزشک قلابی صادر شود. وقتی مأموران در آنجا حاضر شدند، پی بردند که آنها سعی داشتند کلینیک را مجهز کنند؛ به‌طوری که هر کس وارد آنجا می‌شـد به تقلبی بودن مرکز مشکوک نمی‌شد.

شوک دوم زمانی بود که کارآگاهان به سراغ مواداولیه مصرفی در ایـن کلینیک رفتند؛ بخش بزرگـی از بوتاکس‌هـا و فیلرهایی که در تزریقات اسـتفاده می‌شـد، تقلبی و غیراستاندارد بود؛ موادی که عامل اصلی عفونت‌ها و آسـیب‌های جدی به چهره قربانیان بود. این ۲متهم هم‌اکنـون با قرار بازداشـت در اختیار مأمـوران پلیس هسـتند و تحقیقات برای شناسـایی سـایر شکات و همچنین دسـتگیری شـبکه تامین‌کنندگان مواد تقلبی ادامه دارد.

گفت و گو

عشق جراحی

یکی از متهمان که نقش پزشک را بازی می‌کرد حدود ۳۰سال سن دارد. او می‌گوید که عاشق پزشکی و جراحی بوده است. به همین دلیل تصمیم گرفته کلینیک زیبایی افتتاح کند؛ غافل از اینکه در نهایت دست او و همدستش رو خواهد شد.

از کجا شروع کردی؟ چطور جرأت کردی بدون مدرک پزشکی، تیغ جراحی دست بگیری؟

من از همان دوران جوانی به علم پزشکی و جراحی علاقه شدید و همیشه آرزو داشتم جراح زیبایی شوم. اما سیستم آموزشی و طی کردن سال‌های طولانی دانشگاه و تخصص، حوصله می‌خواست. من صبر نداشتم که ۸، ۷ سال از عمرم را پای درس و کتاب بگذارم. در چند کلینیک زیبایی، مدتی به‌عنوان دسـتیار کار می‌کردم. آنجا همه‌چیز را یاد گرفتم؛ تزریق، بخیه، حتی نحوه کار با تجهیزات را. وقتی دیدم می‌توانم مثل یک دکتر کار کنم، تصمیم گرفتم با همکارم که او هم تجربه مشابهی داشت، کلینیک خودمان را راه بیندازیم.

فکر نمی‌کردی با این کار ممکن است سـلامت یک انسان را برای همیشه نابود کنی؟

(مکث می‌کند.) من همیشه سـعی می‌کردم کارم را با دقت انجام دهم. خیلی از مراجعان ما از کارهای من راضی بودند. اینکـه می‌گویید صورت‌ها عفونت کرده، شاید به‌دلیل مراقبت نکردن خودشان یا حساسیت بدنی‌شان به مواد بوده. من فقط می‌خواستم خدماتی را بدهم که در مراکز دیگر هزینه‌های نجومی بابتش می‌گیرند.

اما شما از موادی اسـتفاده می‌کردید که تقلبی بود. این را چطور توجیه می‌کنی؟

این دیگر تقصیر ما نبود. ما وسایل و مواد را از یک واردکننده که معرف داشت، می‌خریدیم. او به ما تضمین داده بود که برندها اصلی هستند. من پزشک شیمی یا آزمایشگاه نبودم که تشخیص بدهم فیلر داخل سرنگ تقلبی است یا اصل. اعتماد کردم و چوبش را هم خوردم.

تو با جان مردم بازی کردی.

خوشبختانه خطر جانی کسی را تهدید نکرد.

تبلیغات گسترده هم که انجام می‌دادی.

به چند بلاگر پول دادم که تبلیغ کنند. آنها فقط دنبال پول تبلیغات بودند. ما هزینه می‌کردیم تا شناخته شویم. اگر هم کسی شکایتی داشت، در هر حرفه‌ای پیش می‌آید. مگر دکترهای واقعی قصور پزشکی ندارند؟!

چرا به جای طی کردن مسیر قانونی، راه میان‌بر خلاف را انتخاب کردی؟

می‌دانم کارم غیرقانونی بوده، اما باور کنید من عاشق کارم بودم. شاید اگر به جای این همه حاشیه، همان درس‌ها را خوانده بودم، الان یکی از بهترین جراحان شهر بودم. فقط راه رسیدن به آرزویم را اشتباه انتخاب کردم.

دادەنما

جزئیات سفر ۳میلیون زائر ایرانی در اربعین

زمان اجرای طرح ۲۵ تیر تا ۱۳ مرداد ۱۴۰۵

با پایان یافتن طـرح ترافیکی اربعین ۱۴۰۵ پلیس راهور فراجا، جزئیات سفر بیش از ۳میلیون ایرانی به سرزمین عشق اعلام شد

آمار تردد زائران

۳/۳۱۶ میلیون نفر خروج از کشور

خروج از مرزهای زمینی	٪۹۸
خروج از مرز مهران	٪۵۶
خروج از مرز شلمچه	٪۲۴

آمار تردد جاده‌ای در استان‌ها و شهرهای مختلف

- **۶۷** میلیون تردد وسایل نقلیه در محورهای منتهی به مرزها
- **۶۰** میلیون تردد خودروهای سواری و وانت
- **۸۲۲** هزار تردد ناوگان اتوبوسی

آمار تردد در ۵ استان هدف اربعین

- بیش از **۱** میلیون تردد
- **۹۵۸** هزار تردد خودروهای سواری و وانت
- **۱۵** هزار تردد ناوگان اتوبوسی

کاهش ۸۸ درصدی آتش‌سوزی در مناطق تحت حفاظت محیط‌زیست

منوچهر فلاحی، معاون یگان حفاظت محیط‌زیست: از ابتدای سال‌جاری تا ۱۵تیرماه، ۱۶۴۵هکتار از اراضی مناطق چهارگانه محیط‌زیستی دچار آتش‌سوزی شده که نسبت به‌مدت مشابه سال قبل کاهش ۸۸درصدی را نشان می‌دهد.

تردد بیش از ۶میلیون زائر از مرزهای اربعینی کشور

با گذشت ۲۲روز از آغاز سفرهای اربعین حسینی (۲۵ تیر تا ۱۵مردادماه) بیش از ۳میلیون و ۱۲۱هزار زائر در مسیر سفرهای رفت و به‌منظور خروج از کشور و بالغ بر ۲میلیون و ۹۰۴هزار زائر در مسیرهای بازگشت از سفرهای عتبات عالیات، از پایانه‌های شش‌گانه اربعینی کشور تردد کرده‌اند.

صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

کوتاه‌تر از گزارش **مجید جباری**؛ روزنامه‌نگار

ماجرای تصویر جنگل‌خواری کلاردشت

تصویر سال ۱۹۷۵ — تصویر سال ۲۰۲۵

انتشـار تصویـری با عنوان «جنگل‌خواری در کلاردشـت» طـی روزهـای اخیر موجی از انتقاد و نگرانی را در شـبکه‌های اجتماعی به‌دنبـال داشـت. تصویری که در نگاه نخست نشانه‌ای از تخریب جنگل‌های شمال کشور به‌نظر می‌رسـد، اما بررسـی‌های نهادهای مسئول، منابع طبیعی، محیط‌زیست و دستگاه قضایی روایت دیگری از این ماجرا ارائه می‌دهد. ابراهیم پیرزادیان، قائم‌مقام یگان حفاظت سـازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشـور در گفت‌وگو با همشهری، با رد ادعای مطرح‌شده درباره این تصویر می‌گوید: «این تصویر قدیمی است و متأسـفانه برخی رسـانه‌ها در این زمینه به‌صورت کاملا جهت‌دار خبرسازی کرده‌اند.»

بررسـی‌های انجام‌شـده نشـان می‌دهد اراضی مورد اشاره جزو مستثنیات اشخاص بوده و هیچ‌گونه تصرفی در عرصه‌های منابع طبیعی صورت نگرفته است. بررسـی‌های کارشناسی نیز روایت مشـابهی را تأیید می‌کند. مدیرکل منابع طبیعی استان تهران و معاون سابق مدیریت بحران سـازمان منابع طبیعی، با استناد به ۲ تصویر ماهواره‌ای یکی متعلق به سال‌های ۱۹۷۵ ودیگری مربوط به ۲۰۲۵ اعلام می‌کند که محدوده مورد اشـاره دست‌کم از سال ۱۳۴۶ خورشیدی فاقد پوشـش جنگلی بوده است. رضا بیانی در گفت‌وگو با همشهری با ارسال تصویری که مقایسه تصاویر تاریخی این منطقه را نشان می‌دهد، ادعای تخریب جنگل یا جنگل‌خواری در این محدوده را رد می‌کند.

معاون محیط‌زیست طبیعی اسـتان مازندران نیز در گفت‌وگو با همشهری تصریح می‌کند: محل مورد اشاره در هیچ‌یک از مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار ندارد. روح‌الله اسماعیلی می‌افزاید: «در حوزه کلاردشت منطقه چهارگانه تحت مدیریت محیط‌زیست صرفا به علم‌کوه محدود می‌شود. به‌نظر می‌رسد این قطعه زمین در محدوده طرح تفصیلی شهر کلاردشت قرار دارد.» واقعیت‌های موجود نشـان می‌دهـد ماجرای تصویر جنجالی کلاردشت ارتباطی با جنگل‌خواری ندارد، اما این موضوع از اهمیت مقابله با تخریب منابع طبیعی در کشور نمی‌کاهد. حساسیت مردم و واکنش‌هـای تند آنها به چنین اخباری بی‌دلیل نیسـت. براساس برخی آمارها، سالانه بین ۲۰ تا ۲۵ هزار هکتار از عرصه‌های جنگلی کشور در اثر تصرف، تخریب، تغییر کاربری، آتش‌سوزی و سایر عوامل تخریب می‌شود.

ویدئوی مرتبط با این گزارش را با اسکن این کد ببینید

دنیا چهره واقعی آمریکا را دید

گفت‌وگو با مرتضی آخوندی، عکاس هرمزگانی برنده جایزه گلدن‌شات ۲۰۲۶ درباره ثبت تلخ‌ترین قاب‌های سال

گزارش

زهرا رفیعی | روزنامه‌نگار | گاهی یک عکس، بیشتر از هزاران خبر، حرف برای گفتن دارد. یکی از این تصاویر عکس هوایی از مراسم تدفین‌شهدای میناب بود که توسط مرتضی آخوندی، عکاس و مستندساز هرمزگانی گرفته شـد. عکس‌ها و فیلم‌های مرتضی آخوندی نه فقط در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب گسترده‌ای داشـت، بلکه یکـی از مشـهورترین تصاویـرش موفق شـد جایـزه بین‌المللی بخـش عکس خبری مسـابقه Golden Shot Photography Awards 2026 را نیز از آن خود کند. او در گفت‌وگو با تلویزیون اینترنتی همشهری از پشت صحنه ثبت عکس‌ها و فیلم‌هایی گفت که نه تنها از ذهن خود که از ذهن مخاطب نیز پاک نخواهد شد.

نخستین‌بار چه زمانی از حادثه مدرسه میناب باخبر شدید و چه شد که به سمت محل حادثه حرکت کردید؟

ساعت حدود ۱۰:۳۰ یا ۱۱ بود که خبر دادند انفجاری در میناب رخ داده است. وقتی زنگ زدم و پرسیدم چه اتفاقی افتاده، گفتند: یک مدرسه را زده‌اند. باورم نمی‌شد. دوباره پرسیدم مدرسه؟ گفتند بله. ابتدا گفتند یک نفر شهید شده، چند دقیقه بعد خبر به ۵نفر رسید، بعد گفتند ۱۰نفر. با خودم گفتم مگر چه اتفاقی افتاده که این تعداد شهید دارد؟ همان لحظه راه افتادم به سمت میناب.

وقتی به مدرسه رسیدید، با چه صحنه‌ای روبه‌رو شدید؟

یک ساعت بعد از اصابت به مدرسه رسیدم. هزاران نفر آنجا بودند؛ خانواده‌ها، مردم میناب، نیروهای هلال‌احمر و همه دستگاه‌هایی که برای آواربرداری آمده بودند. خواستم دوربین را بیرون بیاورم، اما خانواده‌ها اجازه نمی‌دادند. می‌گفتند فیلم نگیر، عکس نگیر، مگر نمی‌بینی بچه‌ها زیر آوار هستند؟ اگر هر کدام از ما جای آن خانواده‌ها بودیم، احتمالا همین واکنش را نشان می‌دادیم. به آنها گفتم این تصاویر باید ثبت شود؛ بعدها به درد خواهد خورد. حدود نیم ساعت تلاش کردم راضی‌شان کنم، اما موفق نشدم. در نهایت موبایلم را بیرون آوردم و تصاویر اولیه آواربرداری را با تلفن همراه ثبت کردم. بیشتر تصاویری که همان لحظه‌های اول از مدرسه منتشر شد، با موبایل گرفتم.

شما از پیکرها هم عکس گرفتید؟

وقتی گفتند پیکرها را به سردخانه منتقل می‌کنند، من هم رفتم. سردخانه حدود ۲۰دقیقه با مدرسه فاصله داشت. به من گفتند چون تعداد شهدا زیاد است، از پیکرها عکس بگیر تا هنگام مراجعه خانواده‌ها، روند شناسـایی راحت‌تر انجـام شـود و ازدحام و هرج‌ومرج ایجاد نشـود. یکی‌یکی از پیکرها عکس می‌گرفتم و مشخصات ظاهری را ثبت می‌کردم؛ مثلا می‌نوشتم شـماره یک، دختر بچه‌ای با این مدل گوشواره یا فلان نشانه. هر وسیله‌ای که همراه پیکر بود؛ کیف، کتاب یا هر نشانه دیگری را هم ثبت می‌کردیم تا در شناسایی کمک کند.

سـخت‌ترین لحظه‌ای کـه در آن روز تجربه کردید چه بود؟

بعد از اینکه حدود ۲۰پیکر را ثبت کردم، دیگر نتوانستم ادامه بدهم. دستم می‌لرزید. هر انسانی در آن شرایط همین حال را پیدا می‌کند. با اینکه سال‌ها عکاسـی حوادث کرده و صحنه‌های سخت زیادی دیده بودم، اما آنجا دیگر نمی‌توانستم شاتر دوربین را فشار بدهم. هربار که می‌خواسـتند کاور یکی از پیکرها را باز کنند، صورتم را برمی‌گرداندم. دوباره مجبور می‌شدم نگاه کنم و عکس بگیرم، اما واقعا دیگر توانش را نداشتم.

یکی از مشهورترین تصاویر شما، عکس مراسم تشییع است که بعدها جایزه گلدت‌شات هم گرفت. ایده ثبت آن از کجا آمد؟

سال ۱۳۹۸ هنگام توقیف نفتکش انگلیسی، عکسی با همین سبک گرفته بودم که بسیار دیده شد. همان تجربه به ذهنم آمد. روز تشییع ۶دوربین را در نقاط مختلف مستقر کردم. وقتی به گلزار شهدا رسـیدیم، دنبال قابی بودم که همه تابوت‌هـا در آن دیده شوند و مظلومیت بچه‌ها را یکجا نشـان دهد. با هلی‌شات از بالا نگاه کردم و همان قاب شـکل گرفت؛ قابی که بعدها بسیار دیده شد.

یکی دیگر از تصاویری که ثبت کردید مربوط به حمله به محل اسـتقرار محیط‌بانان بود. آنجا چه دیدید؟

آن روز در خانه بودم که خبر رسـید. ۲ساعت بعد خودم را به محل رسـاندم. خانه متعلق به یک محیط‌بان بود. چون محل خدمتش از روستا فاصله داشت، خانواده‌اش هم همانجا زندگی می‌کردند تا رفت‌وآمدش راحت‌تر باشـد. ابتدا گفته بودند آنجا یک مرکز نظامی است، اما من گفتم چنین چیزی نیست و خودم می‌روم بررسی می‌کنم. وقتی رسیدم، همه مدارک، قبض‌ها، تجهیـزات و حتی کتاب‌ها نشـان می‌داد آنجا یک خانه مرتبط با محیط‌بانی و محیط‌زیست است، نه یک مرکز نظامی. همان تصاویر را منتشر کردم تا مشخص شود واقعیت چیست.

برسیم به حمله به قشم؛ حمله‌ای که یک خانه مسکونی را به‌طور کامل تخریب کرد و یک زن، همسرش و پسر ۲ساله‌شان، سینا شهید شدند.

داسـتان سـینا واقعا قابل تعریف نیست. وقتی رسیدم، آواربرداری تقریبا تمام‌شده بود و پیکر اعضای خانواده را بیرون آورده بودند.

با خودم فکر کردم چطـور می‌توانیم این حادثه را به دنیا نشـان بدهیم تا همـه ببینند آمریکا بـه غیرنظامیان هم رحـم نمی‌کنـد؟ ابتدا با تصویربرداری هوایی نشان دادم که کل منطقه مسـکونی اسـت. بعد وارد خانه شـدم و همه قسمت‌های خانه را نشان دادم؛ مشخص بود که یک خانه کاملا معمولی است. صاحب خانه هم راننده تاکسی بود. اتاق بچه، وسایل زندگی و همه جزئیات را ثبت کردم.

عکس: همشهری / حامد خورشیدی

حقیقت میناب منتقل شد؟

به‌نظر من نه. اگر بخواهم عدد بدهم، شاید فقط ۲۰درصد واقعیت منتقل شده باشد. غم میناب بسیار بزرگ‌تر از آن چیزی است که در عکس و فیلم دیده می‌شود. به همین دلیل از مستندسازان، عکاسان و فیلمبرداران دعوت می‌کنم بارها به میناب بروند.

▲ عکس منتخب گلدن شات ۲۰۲۶

▲ تشییع دوم کودکان میناب

▲ حمله به محیط‌بانی حاجی آباد

▲ حمله آمریکا به زیرساخت هرمزگان